**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه175– 02 /07/ 1398 عده در روایات / متن تکمله‌ی عروه/ کتاب العدد**

**خلاصه مباحث گذشته:**

یک بحث سندی در مورد علی بن حسن بن فضال باقی مانده بود. طریق شیخ طوسی در یکی از روایات مورد بحث به علی بن حسن بن فضال بود.

# روایت شیخ در تهذیب

«عَنْهُ عَنِ الزَّيَّاتِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)‏ فِي‏ رَجُلٍ‏ دَخَلَ‏ بِامْرَأَةٍ قَالَ‏ إِذَا الْتَقَى الْخِتَانَانِ وَجَبَ الْمَهْرُ وَ الْعِدَّةُ.»[[1]](#footnote-1)

ضمیر در «عنه» به علی بن حسن بن فضال برمی گردد.

## طریق شیخ به علی بن حسن بن فضال

طریق شیخ طوسی به علی بن حسن بن فضال به این صورت است: «و ما ذكرته في هذا الكتاب عن علي بن الحسن فضال فقد اخبرني‏ به احمد بن عبدون المعروف بابن الحاشر سماعا منه و اجازة عن علي بن محمد بن الزبير عن علي بن الحسن بن فضال»[[2]](#footnote-2)

طبق مبنای ما که در طریق به کتب بررسی سندی را لازم نمی دانیم و همچنین طبق مبنای کسانی که طریق به کتب مشهوره را لازم نمی دانند، نیازی به بررسی این طریق نیست. اما طبق مبنای کسانی مثل آقای خویی که طریق به کتب را مطلقا لازم می دانند باید این طریق را بررسی کرد.

#### محل بحث در طریق شیخ

در این طریق بحث در مورد علی بن محمد بن الزبیر است.

آقای خویی می فرماید: علی بن محمد بن الزبیر توثیق نشده است.

### احمد بن عبد الواحد

مرحوم نجاشی در شرح حال احمد بن عبدالواحد فرموده است:

«211 - أحمد بن عبد الواحد بن أحمد البزاز

أبو عبد الله شيخنا المعروف بابن عبدون. له كتب منها: [كتاب‏] أخبار السيد بن محمد كتاب تاريخ كتاب تفسير خطبة فاطمة عليها السلام معربة كتاب عمل الجمعة كتاب الحديثين المختلفين أخبرنا بسائرها و كان قويا في الأدب قد قرأ كتب الأدب على شيوخ أهل الأدب و كان قد لقي أبا الحسن علي بن محمد القرشي المعروف بابن الزبير و كان علوا في الوقت.»[[3]](#footnote-3)

مرحوم آقای خویی می فرماید: «ثم إن تحمل أحمد بن عبد الواحد المتوفى سنة 423: الرواية عن علي بن محمد بن الزبير القرشي المتوفى سنة 348- على ما يأتي في ترجمته عن النجاشي، و الشيخ- لا يكون إلا في أوائل شبابه، و عنفوانه، و هذا معنى قول النجاشي: «و كان غلوا في الوقت» يعني أن لقاء أحمد بن عبد الواحد لعلي بن محمد بن الزبير، كان في عنفوان شبابه، و قد ذكر في ترجمة أبان بن تغلب: أن رواية أحمد بن عبد الواحد، عن علي بن محمد بن الزبير، كان في سنة موت علي بن محمد بن الزبير، و هي سنة 348. و تخيل بعض أن الكلمة (علوا) بالعين المهملة، و تشديد الواو، و أن الضمير في قوله: (و كان علوا) يرجع إلى علي بن محمد بن الزبير، و هو باطل جزما، فإن الضمائر في كلام النجاشي ترجع بأجمعها إلى أحمد بن عبد الواحد، و إرجاع الضمير الأخير إلى غيره خلاف ظاهر العبارة جدا، و سيجي‌ء مثل هذا الكلام في ترجمة: إسحاق بن الحسن بن بكران.»[[4]](#footnote-4)

#### معنای علوا یا غلوا

مرحوم وحید بهبهانی عبارت را علوا خوانده است و ضمیر را به علی بن محمد بن زبیر برگردانده است و عبارت «و كان علوا في الوقت» را این طور معنا کرده است: علی بن محمد بن زبیر در مرتبه‌ی بالایی از مقامات قرار داشته است.

مرحوم آقای خویی اشاره می کند که ضمیر کان مرجعش علی بن محمد بن زبیر نیست بلکه همان صاحب ترجمه یعنی احمد بن عبدون است. زیرا ضمیر های قبلی همه به احمد بن عبدون برگشته است.

اما این کلام آقای خویی خیلی روشن نیست بلکه عکس آن را می گویند که «الاقرب یمنع الابعد» و آخرین اسمی که قبل از ضمیر آمده است، أبا الحسن علي بن محمد القرشي المعروف بابن الزبير می باشد، پس احتمالا ضمیر به ابن زبیر بر می گردد.

آقای خویی عبارت «و كان غلوا في الوقت» را این طور معنا کرده که یعنی در عنفوان جوانی بوده است.

در حاشیه‌ی مصحح تنقیح المقال، مصحح بیان می کند که عبارت دال بر معنایی که آقای خویی می فرماید، نیست.

احتمالا آقای خویی این مطلب را از سماء المقال مرحوم کلباسی گرفته است. مرحوم کلباسی غَلْوا خوانده و عنفوان جوانی معنا کرده است. اما با توجه به توضیحاتی که می دهد مشخص می شود نیازی نیست غَلْوا بخواند همان غُلُوّا هم می شود خواند و معنایی را که آقای خویی فرمودند، به دست آورد. ایشان در جلد دوم صفحه 275 می فرماید: «اقول التحقیق انّ لفظه بالغین المعجمة المفتوحة ممدودة کما هو الحال فی النسخة المعتبرة من النجاشی، و اما معناه فالظاهر انه بمعنا اول الشباب کما قال فی الصحاح و الغَلوا و الغُلُو و الغُلوا ایضا سرعة الشباب اوّله»

عبارت دیگری آورده است: «فالظاهر ان المراد انه لقی اباالحسن (ع) و کان فی اول شباب و یشهد علیه قوله فی ترجمة اسحاق بن الحسن بن بکران من انه کثیر السماع ضعیف فی مذهبه رایته فی الکوفة و هو مجاور و کان یروی کتاب الکلینی عنه و کان فی هذا الوقت غَلوا فلم اسمع منه شیئا له کتاب الرد علی الغلاة فان الظاهر ان عدم سماعه عنه لشبابه و عدم وصوله الی حد الکمال»

منظور از اباالحسن، علی بن محمد بن زبیر است. پس ذکر (ع) اشتباه است.

مرحوم نجاشی متولد 372 است. در این عبارت آمده که اسحاق بن حسن بن بکران را درک کرده است که راوی از کلینی بود. مرحوم کلینی در سال 329 وفات کرده است. مرحوم نجاشی 43 سال پس از وفات مرحوم کلینی متولد شده است. اگر مرحوم نجاشی در 15 سالگی اسحاق بن حسن بن بکران را درک کرده باشد، اسحاق بن حسن بن بکر حداقل حدود 60 سال داشته است که از مرحوم کلینی نقل کرده است. پس نمی توان گفت در عنفوان جوانی بوده است و چون خیلی سنش کم بود از او نقل نکرده است.

در نتیجه این عبارت استدلال بر این است که منظور از غلوا عنفوان جوانی نیست.

مرحوم شوشتری در قاموس الرجال، آقا بزرگ تهرانی در ذریعه و علامه‌ی بحرالعلوم در رجالش، علوّا خوانده اند و این طور معنا کرده اند که وقتی احمد بن عبدالواحد، علی بن محمد بن زبیر را زیارت کرده است، علی بن محمد بن زبیر مسن بود. «علوا فی الوقت» یعنی مسن بود.

بعضی «علوا فی الوقت» را این طور معنا کرده اند که روایت احمد بن عبدالواحد از علی بن محمد بن زبیر، علو و کم واسطه تلقی می شد. علو به معنای کم واسطه است. کسانی که از پیر مردها روایت می کردند، روایاتشان کم واسطه می شد. پس با این معنا هم «علوا فی الوقت» اشاره به این است که علی بن محمد بن زبیر پیر مرد بوده است.

عبارت دومی که از مرحوم کلباسی نقل کردیم: «کان فی هذا الوقت علوا فلم اسمع منه شیئا» با این معنا کاملا سازگار است. یعنی وقتی او را درک کردم پیر مرد بود، به همین دلیل حال نداشت نقل حدیث کند.

اما معنای بزرگوار برای علو با توجه به این عبارت دوم اشتباه است، چون معنا این طور می شود که در آن زمان بزرگوار بود به همین دلیل از او نقل حدیث نکردم.

مرحوم نجاشی می فرماید: تمایل داشتم از اسحاق بن حسن بن بکران کافی را با یک واسطه نقل حدیث کنم اما پیر مرد بود و نشد. اشاره به یک نوع افسوس است که از فیض نقل یک واسطه ای از کلینی محروم شده است.

### وثاقت علی بن محمد بن زبیر

#### اکثار اجلاء

بسیاری از مشایخ مثل احمد بن عبدالواحد از او نقل حدیث کرده اند و اکثار احمد بن عبدالواحد ممکن است توثیق علی بن محمد بن زبیر تلقی شود.

##### اشکال به اکثار اجلاء

آیت الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی اشکال کرده اند که اکثار روایت در جایی که بحث علو اسناد مطرح است دلیل بر وثاقت نیست. زیرا ممکن است به جهت علو اسناد از او نقل حدیث کرده باشند.

اما به نظر ما علو سند صحیح مطلوب است.

آیت الله سید موسی شبیری زنجانی شاهدی می آورند: «اين گونه موارد كه منظور قرب اسناد است دليل بر اعتماد نمى‌شود. من از مرحوم شرف الدين اجازه روايت دارم. ايشان اجازه نامه‌اى داشت كه يك قسمت‌هايى از آن را بازگذاشته بود كه امضاء خودش و عنوان طرف باشد، در بخشى از آن كه يك سنى به ايشان صحيح بخارى را اجازه داده است مى‌گويد: از طريق معمرين و تقريبا از ده واسطه نقل مى‌كند تا مى‌رسد به بخارى كه اينها بايد حدود 120 ساله باشند و بعد مى‌گويد: و من طريق الجنّ ما حدثنى شمهروش از مثلا بخارى، خوب اين آوردن طريق جن براى قرب اسناد و به خاطر علوّ سند مرسوم بوده است و دليل بر اينكه وسائط قابل اعتماد باشند نيست»[[5]](#footnote-5)

اما اشکال این است که این سنی جن را ثقه می دانسته است وگرنه نقل حدیث از یک جن دروغگو که فایده ندارد.

البته کسانی که دنبال قرب الاسناد بودند گاهی زود باور می شدند اما در مورد شخصی مثل احمد بن عبدالواحد که از مشایخ بزرگ ما هستند، نمی توان چنین چیزی گفت.

#### توثیق از طرق عامه

علی بن محمد بن زبیر در کتب عامه هم ترجمه دارد. در سیر اعلام النبلاء در موردش آمده است: «الامام المتقن ...»

خطیب بغدادی هم او را توثیق می کند. علی بن محمد بن زبیر گرایشات شیعی داشته است. در کتب عامه روایاتی در مدح امیرالمونین علیه السلام از علی بن محمد بن زبیر نقل شده است. با توجه به این مساله اگر کوچک ترین نقطه‌ی ضعفی در او بود، قطعا آن را مطرح می کردند. این که خطیب بغدادی در مورد او صرفا «ثقة» گفته است و بیش از این از او تعریف نکرده است به خاطر گرایشات شیعی علی بن محمد بن زبیر است.

### تعویض سند

مرحوم آقای خویی علی بن محمد بن زبیر را توثیق نمی کند. بلکه با تعویض سند طریق به علی بن حسن بن فضال را تصحیح می کند. در جلد اول معجم رجال، آخر مقدمه‌ی چهارم می فرماید: «بل لو فرضنا أن طريق الشيخ إلى كتاب ضعيف في المشيخة و الفهرست و لكن طريق النجاشي إلى ذلك الكتاب صحيح، و شيخهما واحد حكم بصحة رواية الشيخ عن ذلك الكتاب أيضا، إذ لا يحتمل أن يكون ما أخبره شخص واحد كالحسين بن عبيد الله بن الغضائري مثلا للنجاشي مغايرا لما أخبر به الشيخ، فإذا كان ما أخبرهما به واحدا و كان طريق النجاشي إليه صحيحا: حكم بصحة ما رواه الشيخ عن ذلك الكتاب لا محالة و يستكشف من تغاير الطريق أن الكتاب الواحد روي بطريقين، قد ذكر الشيخ أحدهما، و ذكر النجاشي الآخر.»[[6]](#footnote-6)

آقای خویی می فرماید: حسین بن عبید الله غضائری استاد مشترک نجاشی و شیخ طوسی می باشد. اگر در رجال نجاشی، حسین بن عبید الله غضائری کتابی را نقل کرده باشد و طریق حسین بن عبید الله معتبر باشد. از طرفی در فهرست شیخ هم حسین بن عبید الله آن کتاب را نقل کرده باشد اما طریقش در فهرست معتبر نباشد، طریقی که در رجال نجاشی می باشد، برای اعتبار کتاب کافی است. زیرا بعید است حسین بن عبید الله غضائری آنچه را که به نجاشی خبر می دهد، به شیخ خبر نداده باشد. پس طریق نجاشی به آن کتاب، طریق شیخ به آن کتاب هم هست ولی شیخ نخواسته همه‌ی طرقش را ذکر کند.

با این ضابطه آقای خویی خواسته اند طریق علی بن حسن بن فضال را تصحیح کنند.

آقای خویی توضیح کامل تر این مطلب را در دو جای موسوعه آورده اند. آقای سبحانی هم در یک جا همین بیان را دارد.

آقای خویی در موسوعه می فرماید: «... إلّا أنّ طريق النجاشي إليه صحيح، و حيث إنّ شيخهما واحد و هو عبد الواحد بن عبدون ...»[[7]](#footnote-7)

در عبارتی دیگر می فرماید: «و حيث إنّ شيخهما واحد و هو عبد الواحد بن عبدوس»[[8]](#footnote-8)

آقای سبحانی می فرماید: «و هو أحمد بن محمد بن عبدون»[[9]](#footnote-9)

هر سه عبارت غلط می باشد و صحیح آن احمد بن عبد الواحد می باشد که معروف به ابن عبدون است.

#### اشکال صغروی به تعویض سند مرحوم آقای خویی

نجاشی در ترجمه‌ی علی بن الحسن بن فضال می فرماید: «... قرأ أحمد بن الحسين كتاب الصلاة و الزكاة و مناسك الحج و الصيام و الطلاق و النكاح و الزهد و الجنائز و المواعظ و الوصايا و الفرائض و المتعة و الرجال على أحمد بن عبد الواحد في مدة سمعتها معه و قرأت أنا كتاب الصيام عليه في مشهد العتيقة عن ابن الزبير عن علي بن الحسن و أخبرنا بسائر كتب ابن فضال بهذا الطريق. و أخبرنا محمد بن جعفر في آخرين عن أحمد بن محمد بن سعيد عن علي بن الحسن بكتبه.[[10]](#footnote-10)»

منظور از احمد بن حسین، احمد بن حسین بن عبید الله غضائری است که پسر حسین بن عبید الله غضائری می باشد.

چند نوع قرائت وجود داشته است:

گاهی شاگرد بر استاد قرائت می کرده است.

گاهی استاد بر شاگرد قرائت می کرده است.

گاهی هم دیگری قرائت می کرده و من می شنیدم.

اینجا احمد بن حسین بن عبید الله غضائری برای استادش احمد بن عبدالواحد قرائت می کند و نجاشی هم می شنود.

کسی که قرائت می کرده معمولا مهمترین شاگرد بوده است.

ابن زبیر همان علی بن محمد بن زبیر است.

شیخ طوسی در فهرست می فرماید: «أخبرنا بكتبه قراءة عليه أكثرها و الباقي إجازة أحمد بن عبدون عن علي بن محمد بن الزبير سماعا و إجازة عن علي بن الحسن بن فضال.»[[11]](#footnote-11)

در ترجمه‌ی علی بن حسن بن فضال طریق احمد بن عبد الواحد در فهرست شیخ و رجال نجاشی مثل هم می باشد و علی بن محمد بن زبیر در هر دو طریق هست.

بله نجاشی یک طریق دیگر دارد که صحیح است اما استاد شیخ در آن طریق نیست.

«أخبرنا محمد بن جعفر في آخرين عن أحمد بن محمد بن سعيد عن علي بن الحسن بكتبه.[[12]](#footnote-12)»

این طریق را آقای خویی تصحیح می کند. آقای خویی مشایخ نجاشی را ثقه می داند. پس محمد بن جعفر ثقه است. اما محمد بن جعفر، شیخِ «شیخ طوسی» نیست.

#### اشکال کبروی به تعویض سند

طرقی که ذکر می شود، معنایش این نیست که در هر طریقی یک نسخه‌ی خاصی را استاد در اختیار شاگرد قرار داده باشد. بلکه اجازه‌ی عامی است که ممکن است احمد بن عبدالواحد به نجاشی یک طریقش را گفته باشد و به شیخ طوسی طریق دیگرش را گفته باشد.

به چه دلیل اجازه ای که احمد بن عبدالواحد به نجاشی داده است همان اجازه را به شیخ طوسی داده است. ممکن است از یک طریق به شیخ طوسی و از طریق دیگر به نجاشی اجازه داده باشد.

1. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج7، ص464.](http://lib.eshia.ir/10083/7/464/الزیات) [↑](#footnote-ref-1)
2. تهذيب الأحكام (تحقيق خرسان)، المشيخة، ص: 55 [↑](#footnote-ref-2)
3. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص87.](http://lib.eshia.ir/14028/1/87/علوا) [↑](#footnote-ref-3)
4. [معجم رجال الحدیث، السید أبوالقاسم الخوئی، ج2، ص153.](http://lib.eshia.ir/14036/2/153/عنفوانه) [↑](#footnote-ref-4)
5. كتاب نكاح (زنجانى)، ج‌17، ص: 5405 [↑](#footnote-ref-5)
6. [معجم رجال الحدیث، السید أبوالقاسم الخوئی، ج1، ص78.](http://lib.eshia.ir/14036/1/78/الغضائري) [↑](#footnote-ref-6)
7. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج24، ص152.](http://lib.eshia.ir/71334/24/152/النجاشی) [↑](#footnote-ref-7)
8. [موسوعة الامام الخوئی، السید أبوالقاسم الخوئی، ج24، ص195.](http://lib.eshia.ir/71334/24/195/شیخهما) [↑](#footnote-ref-8)
9. الصوم في الشريعة الإسلامية الغراء، ج‌1، ص: 196 [↑](#footnote-ref-9)
10. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص259.](http://lib.eshia.ir/14028/1/259/الحج) [↑](#footnote-ref-10)
11. [الفهرست، شیخ طوسی، ج1، ص157.](http://lib.eshia.ir/14010/1/157/اکثرها) [↑](#footnote-ref-11)
12. [رجال النجاشی، شیخ النجاشی، ج1، ص259.](http://lib.eshia.ir/14028/1/259/الحج) [↑](#footnote-ref-12)